

بوم خبر

نقاش و پژوهشگر بنام ایرانی بر اثر کرونا درگذشت



پرویز اسکندر پور
خرمی پژوهشگر،
مدرس دانشگاه و
نویسنده مجموعه
«آموزش نگارگری»
درگذشت. به گزارش

ایبنا، این پژوهشگر، نقاش و خادم بازسازی عتبات عالیات، اول آبان ماه بر اثر ابتلا به بیماری کرونا درگذشت. وی متولد ۱۳۳۸ و دارای دکترای پژوهش هنر بود. تدریس در مقاطع مختلف دانشکده‌های هنر دانشگاه‌های تهران، الزهرا، سوره و مشهد و تألیف کتاب‌هایی از جمله گل‌های ختائی و اسلیمی و نشان‌ها، داوری رقابت‌ها و جشنواره‌های هنری، برگزاری نمایشگاه‌های انفرادی و حضور در نمایشگاه‌های داخلی و خارجی بخشی از فعالیت‌های مرحوم اسکندر پور در عرصه علمی، هنری و فرهنگی کشور بوده است. وی تحصیلات خود را در مقاطع لیسانس و فوق لیسانس نقاشی از دانشگاه‌های تهران و تربیت مدرس به‌تمام رساند و در ادامه نیز موفق به اخذ دکترای پژوهش هنر از دانشگاه شاهد تهران شد. پرویز اسکندر پور افتخار طراحی و نظارت فنی ضرایح، نیم ضریح‌ها، درب‌ها، فرش‌ها و آثار هنری بکاررفته در حرم‌های مطهر ائمه اطهار (ع) در کربلا و نجف و سامرا و دمشق از جمله ضرایح حضرت مسلم ابن عقیل (ع) در کوفه، حبیب ابن مظاهر و ابراهیم مجاب از پاران امام حسین (ع) در کربلا را داشته است. وی با شرکت در رقابت‌های هنری موفق به دریافت جوایز والوح تقدیری متعددی از جمله برنده سومین دوسالانه نگارگری شده بود. در همین ارتباط سید مجتبی حسینی، معاون هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در پیامی درگذشت پرویز اسکندر پور خرمی را تسلیت گفت و نوشت: «سال‌ها تدریس هنر در دانشگاه و تألیف کتاب‌هایی در زمینه هنر ایرانی - اسلامی نیز از خدمات زنده یاد اسکندر پور است که فراموش نخواهد شد». همچنین گروه هنرهای تجسمی فرهنگستان هنر نیز در پیامی به مناسبت فقدان این هنرمند نوشت: «خبر درگذشت دکتر پرویز اسکندر پور خرمی، پژوهشگر و استاد دانشکده هنر دانشگاه تربیت مدرس، بسیار اندوهناک بود. ایشان از هنرمندان باخلاق و توانمند در رشته هنرهای تجسمی بودند و عمر خود را راه خدمت به ارزش‌های هنر آبران گرا و اسلامی صرف کرد. او از خدامان اهل بیت نیز بود و در بازسازی عتبات عالیات، آثاری ارزشمند از خود بر جای گذاشت. گروه هنرهای تجسمی فرهنگستان هنر، ضایعه درگذشت این هنرمند گران قدر را به جامعه هنری و خانواده محترمشان تسلیت می‌گوید و از درگاه الهی برای خانواده آن مرحوم صبر، و برای ایشان علو درجات و غفران بی‌واسعه مسألت می‌کند».

فتاح ذی نوری عکاس برتر جوایز بین المللی عکس سی‌ینا شد



عکاس ایرانی
دومین عکاس
برتر جایزه جهانی
عکاسی خلاق در
شاخه چهره‌ها و
شخصیت‌های جذاب

شده به گزارش هنرآنلاین، جوایز بین‌المللی عکس سی‌ینا (Awards) که هر سال از میان عکاسان سراسر جهان برگزیدگان خود را انتخاب می‌کند، امسال فتاح ذی نوری را به عنوان دومین عکاس برتر این رقابت‌ها در شاخه «چهره‌ها و شخصیت‌های جذاب» انتخاب و تندیس بلورین جایزه پانجه (Pangea) این رویداد هنری را به او اهدا کرد. فتاح ذی نوری کار حرفه‌ای خود را از سنینما آغاز کرد و سال ۱۳۸۷ در فیلم «نظام از راست» به کارگردانی محمدرضا ورزی به عنوان عکاس فعالیت داشته است. عکاسی فیلم‌های «شنای پروانه»، «چند متر مکعب عشق»، «رفتن»، «آدمت نمی‌کنیم» از جمله فعالیت‌های ذی نوری در سینما است. جوایز بین‌المللی عکس سی‌ینا یکی از محبوب‌ترین رقابت‌های جهانی در زمینه عکاسی است که هر سال از بین حدود پنجاه هزار فریم عکس از ۱۶۰ ملیت مختلف برگزیدگان نهایی خود را انتخاب می‌کند. این جشنواره امسال به دلیل شیوع ویروس کرونا به صورت حضوری برگزار نشد.

تماشای آن‌لاین هنر، گریزگاه یا میانبر؟

گالری‌ها بار دیگر به دست کرونا تعطیل شدند



علیرضا بخشی استوار

در این حوزه فعالیت می‌کنند، این روزها بار دیگر گالری‌ها هم به ناچار خود را در برابر یک تعطیلی طولانی نامعلوم می‌بینند. در واقع از آن جایی که با گران شدن قیمت لوازم هنر مانند بوم، رنگ، قلم و... هنرمندان در تولید اثر دچار مشکل شده‌اند و آن آثاری هم که این روزها به نمایش می‌آید مشخصاً آثاری هستند که تولید آن به روزهای قبل از کرونا بر می‌گردد، حالا گالری‌ها هم با محدودیت در نمایش و برگزاری آن، روزهای بدی را پشت سر می‌گذارند. طی روزهای اخیر و با آغاز موج جدید فراگیری ویروس کرونا بسیاری از گالری‌ها، نمایش‌های خود را تعطیل و برگزاری آن را به زمان نامعلوم دیگری موکول کردند؛ اما برخی دیگر از گالری‌ها با ایجاد

یک برنامه جدید، از عدم برگزاری نمایش خود جلوگیری کردند که این نوع از برگزاری همزمان کاستی‌ها و البته مزیت‌هایی دارد که می‌تواند به عنوان یک مدل اجرایی تا زمانی که ویروس کرونا در جهان به شکل فراگیر هست، اجرایی شود. این گالری‌ها در فضاها و پلتفرم‌های معرفی و تبلیغات خود در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی اعلام کردند که مخاطبان می‌توانند با تعیین وقت قبلی و بازماندگی مشخصی به گالری بیایند و این آثار را تماشا کنند. در چنین وضعیتی به دلیل خرد شدن میزان بازدیدها در یک روز نمایش، به نظر می‌رسد آثار یک هنرمند در وهله نخست می‌تواند در تعداد روزهای بیشتری روی دیوار گالری‌ها باقی بماند تا افراد

مشاق به تماشای این آثار بتوانند در این شرایط هم از دیدن آثار هنری بهره‌مند شوند. در واقع در این شکل، قاعده کوتاه مدت نمایش گذاشتن هفته‌ای از هنرمندانی مختلف در یک گالری، به نمایش طولانی‌تر آثار یک هنرمند در بازه زمانی مشخصی می‌انجامد. اما از سویی این نکته هم قابل بررسی است که در چنین شرایطی و با ارائه آثار با تعیین وقت قبلی تنها این مجموعه‌داران و خریداران آثار باشند که بتوانند در این نمایش‌ها شرکت کنند. در واقع رخ دادن این اتفاق با این پیش‌فرض که در مدت زمان کوتاهی نمایش آثار، حضور مجموعه‌دار برای حیات اقتصادی گالری مهم‌تر است، امری طبیعی است و به همین دلیل هنرمندان و

علاقه‌مندان به تماشای آثار هنری که توانایی و یا میل به خرید آثار ندارند در رده‌های بعدتر قرار می‌گیرند. در تشریح دقیق‌تر این موقعیت آنچه در این وضعیت به وقوع می‌پیوندد، اهمیت یافتن بعد اقتصادی و اقتصاد هنر بر ابعاد هنری و فرهنگی و تأثیر آن بر جامعه است. عدم حضور افراد در گالری‌ها برای تماشای آثار از سویی موقعیت‌هایی که این روزها به شکل سه‌بعدی ما را در فضاهای این چنین قرار می‌دهند، وضعیت بهتری را به دست خواهند آورد.

هر چند که تماشای این آثار به شکل آن‌لاین هیچ‌گاه به کیفیت تماشای از نزدیک یک اثر هنری نمی‌رسد و نمی‌تواند جای آن را بگیرد، اما در چنین شرایط ویژه و بحرانی که بسیاری از مسائل پایه‌ای‌تر در حالت تعلیق قرار گرفته است، این شکل از ارائه آثار می‌تواند به حیات گالری‌ها، نمایش‌ها و البته هنرمندان کمک ویژه‌ای بکند. ایده‌هایی مانند گالری‌های آن‌لاین که چندسالی است در کشور ما به شکل محدود و جسته و گریخته مطرح شده و اقداماتی هم جهت بروز آن رخ داده بود، در چنین وضعیتی در برابر یک موقعیت جهش‌مند قرار گرفته است. موقعیت جهش‌مند چه از لحاظ زیرساختی و چه از لحاظ فرم و محتوای بصری ارائه.

به نظر می‌رسد هنرمندان هم با چنین شیوه‌هایی موفق باشند چرا که حاصل تلاش آن‌ها در یک دوره مشخص را از خاک خوردن کنار آتلیه نجات می‌دهد و در معرض دید قرار گرفتن آن خود به ادامه حیات و حرکت این چرخه کمک می‌کند. در



اشاره دارد «سر پرنده» و «شمعدان»، هر دو خلق شده در سال ۱۳۵۷ هم‌نماینده‌ای از این رویکرد در آثار حجمی اوست. اما توجه محمصص به سر نوشت یا وضعیت نوع بشر حتی در این دسته از آثارش در محدوده اساطیر و تاریخ باستان باقی نمی‌ماند. اساساً روایت تاریخی نقاشی‌های محمصص تابع «تاریخ کروئولوژیک» و منطق باسیر تاریخ نیست. به همین دلیل است که در پیوند با دغدغه انسان‌نگاری‌های او می‌بینیم واکنش بصری او به جنگ جهانی دوم و بحران بشری دنبال آن، در تعدادی از آثار به نمایش درآمده او در زوال و فروپاشی فیگورهای تجلی می‌یابند و سیطره حیوان بر انسان را به نمایش می‌گذارند؛ اگر چه در آثاری از محمصص که ریشه در اساطیر یونانی دارند هم با نوعی حیوان‌خویی انسان روبه‌رو می‌شویم. آثاری

به نشانه گناه یا شکست، جان‌مایه انسانی به کار بیخشد. جسم‌وارگی و تناسخ، از درون‌مایه‌های اصلی ساختار این اثر است. از دیگر اسطوره‌های مورد علاقه بهمن محمصص باید به «ساتیر» و «فون» اشاره کرد؛ نمادهای منع، مستی، آزادی جنسی و در عین حال لذت‌جویی هنری. او همچنین دلبستگی عمیقی به موجودات نیمه انسان / نیمه حیوان، به ویژه «مینوتور» دارد. این موجودات در نظر او تجسد مسخ‌خاند و نهایت اغراق تنانه که گاه در قالب ناهنجاری‌های فیزیکی مثل شاخ‌ها و عضله‌های اغراق شده و غیرطبیعی به عنوان تمهید آشنا و مورد علاقه او دیده می‌شود. تعدادی از مجسمه‌های محمصص هم مثل نیم‌تنه بدون عنوان که به نام «همسر سفیر» شناخته می‌شود، مجسمه «گاو میش» (۱۳۵۶) که به هنر بدوی و ماقبل تاریخی

پرتره دیده نشده بهمن محمصص

دائمی‌اش به میراث و اسطوره‌های باستانی را بازتاب می‌دهد و درون‌مایه انسانی به آن‌ها می‌بخشد. نقاشی‌های «آگامنون» (۱۳۴۴) و «بدون عنوان» (۱۳۴۴) که از جاعات تاریخی‌شان به قهرمانی یونانی و «ونوس ویلندورف» می‌رسد، از این دسته آثار محمصص است. موضوع تابلوی «آگامنون» یک قهرمان یونانی و پادشاه آتین است. توجه محمصص به میراث باستانی نکته‌ای کلیدی در این دسته‌بندی است. اما فراتر از آن، او می‌خواهد با استفاده از ویژگی‌ها و امکانات مجسمه، قهرمانی یونانی را به مثابه یک نیم‌تنه سنگی بی‌دست و پا بازنمایی کند و با لکه‌های خون

مهمان هفته: آرمان استپانیان



آبادان کجا و ارمنی تباران کجا؟ این نخستین پرسشی بود که در مصاحبه‌اش پرسیدم؛ پاسخ که داد تازه دوازدهم افتاد که آقا، خیلی‌ها مثل مانوک و مارتیک و وازیک هم اول پچه بودان بودند و از آنجا بیونی شدند. آرمان اما روز مصاحبه‌مان عینک ربیون به چشم نداشت. انگار زندگی



در تهران حال و هوایش را عوض کرده. پرس می‌کند که دوازدهم مدرسه در سرش سودای هنر بود و از سودای درس بی‌خبر. مادرش می‌گفت از تودان‌تجودر نمی‌آید؛ پاشو برو پیش استاد بازیل در میدان سنایی و نقاش بشو. آرمان اما به رگ غیرتش برخورد و نشست پای درس و نتیجه کنکور که آمد خبر آوردند پسر شما نفر اول کنکور سراسری هنر شده. همه شاخ در آوردند. او در ادامه باز هم غافلگیری‌های دیگری داشت و دهه ۶۰ در اولین بی‌ینال گرافیک تهران میان آن همه استاد، دیپلم افتخار را کسب کرد. آثار این عکاس تاهنوز در مهم‌ترین جراحی‌های دنیا همچون کریستیز، ساتیز و بونهامز روی هوا به فروش می‌رسند. به زودی مصاحبه مفصل ما با او در روزنامه «توسعه‌ای» منتشر می‌شود.